

بررسی تطبیقی مخاطب‌شناسی در داستان‌های طنز ترجمه و تألیف

■ پرنیان زارع‌پور (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، عضو شورای کتاب کودک)، الهام چاوشی (عضو شورای کتاب کودک)، پریچهر نسرین‌بی (عضو شورای کتاب کودک)

توجه به مقوله مخاطب‌شناسی در ادبیات طنز کودک و نوجوان اهمیت بسیاری دارد. در این پژوهش، جایگاه و شناخت مخاطب در برخی از داستان‌های طنز که برای کودکان و نوجوانان در ایران ترجمه شده است و آثار داخلی این حوزه بررسی می‌شود. در کتاب‌های ترجمه‌شده، ویژگی‌های سنی کودکان و نوجوانان به خوبی در نظر گرفته می‌شود و داستان متناسب با نیازهای آنان در دنیای مدرن شکل می‌گیرد، موضوعات مطرح‌شده فضای فکری مخاطب را ترسیم می‌نماید و به دغدغه‌ها و مسائل روزمره‌ای می‌پردازد که کودکان و نوجوانان با آن‌ها سرو کار دارند. این امر از دلایل اصلی همذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های داستان‌ها است. نویسندگان خارجی، شکل‌گیری این فرایند را با شکستن هنجارهای از پیش تعیین شده جامعه و ایجاد پرواز خیال در مخاطب تسهیل می‌کنند. احساسات کودکان و نوجوانان مانند ترس، هیجان، شادی و ... با موضوعات طنز پیوند می‌یابد و علاوه بر غنی شدن آثار واقع‌گرایانه، باور و ارتباط مخاطب با آثار فانتری طنز نیز تقویت می‌شود. همچنین نویسنده در این گونه آثار برای طرح موضوعات مهم و جهان‌شمولی همچون صلح و پذیرش دیگران، حفظ محیط‌زیست، کودکان تک‌والد، نقد دنیای بزرگسالان و ... از چاشنی طنز بهره می‌برد و بر اثرگذاری داستان می‌افزاید. زبان این داستان‌ها به لحاظ لحن، واژه‌ها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها با زبان مخاطب هماهنگی دارد. در آثار خارجی، سلیقه‌های متنوع و مختلف کودکان و نوجوانان در نظر گرفته می‌شود و امکان انتخاب آثار خیال‌پردازانه و واقع‌گرایانه فراهم است و این امر در جذب مخاطبان بیشتر مؤثر است. آثار داخلی طنز برای کودکان و نوجوانان به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود. در دسته اول، ویژگی‌های کودک و نوجوان و نیازهای آنان شناخته نشده است و موضوع داستان و مفاهیم مطرح‌شده در آن با فضای ذهنی مخاطب فاصله بسیاری دارد. در دسته دوم، شواهدی دیده می‌شود که حاکی از شناخت نسبی مخاطب یا دغدغه نویسنده برای توجه به فضاهای مورد پسند او است، اما هنجارشکنی‌های لازم برای شکل‌گیری این فضاها صورت نمی‌گیرد و امکان همذات‌پنداری به طور کامل برای مخاطب فراهم نمی‌شود. دسته سوم آثاری است که نمونه‌های بسیار اندکی دارد و در شناخت ویژگی‌های کودکان و نوجوانان، نیازها و انتظارات آنان و اصول طنزنویسی برای این گروه‌های سنی موفق است. این داستان‌ها در هر دو بخش زبانی و مفهومی با مخاطب خود هماهنگی نسبی دارند. در اکثر داستان‌های داخلی طنز برای کودکان و نوجوانان، مقوله مخاطب‌شناسی در جایگاه ضعیفی قرار دارد و نیازمند توجه و تأمل بیشتر است.

هنجارگریزی در شعر کودک

دکتر فریده داودی مقدم (هیأت علمی دانشگاه شاهد)، ■ کسری بقایی‌پور (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه جامع علمی و کاربردی)

هنجارگریزی معنایی ابزار اصلی شعر آفرینی است که شعر کودک با توجه به کارکرد ویژه‌اش در ملموس ساختن تصاویر و مفاهیم مجرد از آن بهره فراوان می‌برد. شاعران کودک باید این نشانه‌ها را به طور طبیعی و همگام با ذهنیت کودکانه مخاطبشان به کار گیرند و این آشنایی‌زدایی طبیعی در ذهن کودک نباید با تصاویر مبهم و استعاره‌های پیچیده که حاصل تلاش برخی شاعران کودک در شعریت بخشیدن به کلامشان است، آمیخته و اشتباه شود. در این نوشتار نمونه‌هایی از هنجارگریزی معنایی در شعر برخی از شاعران کودک طرح و بررسی می‌شود. نقد این اشعار از منظر نشانه‌شناسی شعر و زاویه دید کودکانه و تئوری‌های روان‌شناسی مربوط به آن، خواهد توانست شاعران کودک و دست‌اندرکاران ادبیات کودک را به درک و باور بیشتر مخاطبان‌شان سوق دهد و در ارتقاء این نوع ادبی سودمند واقع شود.